ولادت دخت امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضرت زینب (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?>

در برج ولایت است کوکب زینب	علامه نا رفته به مکتب زینب
گفتم به خرد، یگانه دوران کیست	بی پرده دوبار گفت : زینب زینب

یک سینی شقایق بهشتی

ای زینب کبری، دختر علی فرمانروای مطلق روح های بزرگ و ارجمند، زاده فاطمه، ای رسول انقلاب خونبار و آزادی بخش حسین (علیه السلام)، سلام بر تو باد.

پنجم جمادی الاول سالروز تولد مهین بانوی بزرگ اسلام زینب سلام الله علیها است، آنکه جهانی را مسحور عظیمتهای روحی و معنوی خویش کرد و اسوه حسنه ای برای زن مسلمان است.

چشم گشودن در خانه ای که بودی دلاویز عطر وحی را با خود داشت و بالیدن در فضایی که به معنویت و جهاد و پارسایی و عظمت عجین شده بود از زینب کبری (علیه السلام) انسانی ساخت که هر انسان منصفی عظمت های او را به دیده اعجاب می نگرد و همین بالیدن در هوای جهاد و مبارزه و عشق و محبت، وی را آماده پذیرش مسئولیتهای بزرگ اجتماعی کرد ان بانوی نمونه این درس را در مکتب معلمانی بزرگ اموخته بود معلمانی چون فاطمه زهرا (علیه السلام) و حضرت علی (علیه السلام).

هنگام تولدش همه به پیامبر مژده می دادند و با همه سوابق و جنایاتی که عرب بدوی نسبت به دختران تازه مولود روا می داشتند، در شادی پیامبر ارزش زن را تعلیم گرفتند، شادمانی و سرور جد و پدر مردم را به خطاهای گذشته خود واقف می ساخت و به آنها می اموخت که داشتن دختر یعنی به دست آوردن دنیایی از محبت و لطافت روح. مردم می دیدند که پیامبر با شنیدن تولد دختری در خانه دخترش همان قدر مسرور است که در تولد حسن و حسین.

زینب را به پیش جدش پیامبر بردند، ای پیامبر نامی برای این مولود برگزین و از همین جا پیامبر انچه که در

تصمیم روح و قلبش می گذشت به این دختر نشان داد، گفت او زینب پدر است او زینب است. یعنی زینب پدر، یعنی سرمایه معنوی خانه، یعنی، یعنی ارامش مادر و در ادامه مظلومیتهای پدر و مادر زینب نام دختری دیگر نیز بود. نام دختر تازه از دست رفته پیامبر، و گوئی پیامبر مسلمین می خواهد با این نام، زندگی کند، قبلا دختر خود را به این اسم خوانده بود و اینک دخت دخترش را.

بنی هاشم و مردم می دانستند که هر تولدی در خانه فاطمه (علیه السلام) پیامبر را مسرور می سازد، می دانستند پیامبرشان که ناقض همه اداب و رسوم جاهلی است در این میلاد نو، چگونه خواهد بود، آنها تبسمهای محمد (علیه السلام) را در تولد دخترش زهرا، از یاد نبرده بودند، و زینب زهرائی دیگر است، با همان شجاعت و سرنوشت و با همان اصالت و مظلومیت و با همان وظیفه و تعهد، زینب (علیه السلام) ادامه زهرا (علیه السلام) است، و زهرا (علیه السلام) عصاره پیامبر و پیامبر ثمره خلقت.

زینب رسول خون حسین است، منظلومیت تشیع علی و حسین را او بر پیشانی تاریخ حک نمود. فرو ریزنده حکومت وحشت و تباهی بنی امیه بود در روزگاری که حکومت بنی امیه پایه های قدرت خویش را فناناپذیر می دانست و با کشتن فررند رسول خدا زخمهای جهالی خویش را مرهم انتقام می نهاد او بود که با طنین فریاد خویش ستونهای استوار کاخ سبز را که به جای کلبه گلین پیامبر بنا شده بود به لرزه در آورد لرزه ای که به نابودی و متلاشی شدن حکومت پسران هند جگر خوار منتهی شد.

زینب خطیبی بود که با خطابه های شورانگیز و بیدارگر به روش پدر خویش به مبارزه با سنتهای جهالی که اینار لباس اسلام بر تن کرده بودند برخاست و در این جهاد سخت و توانفرسا از بذل عزیزترین کسان خویش دریغ نورزید، او بود که با کلام خویش ردای سرخ شهادت امام حسین را بیرق سرخ پیروزی ساخت وگرنه دشمن بر پیکر خونین نوادگان رسول مکرم اسلام (صلّی اللّه علیه وآله وسلّم) اسب پیروزی تاخته، دارها برچیده و خونها شسته بود، گوئی در شب ظلمت حکومت آنان برگ از برگ نجنبیده و هرگز خون مظلومی بر زمین ریخته نشده بود.

این زینب بزرگ بود که نگذاشت خون حسین (علیه السلام) را ریگزار تفدیده و تشنه صحرای کربلا ببلعد بلکه خونش چشمه جوشانی شد که از ان صحرای آتشخیز جوشیدن آغاز کرد و گسترده زمان را فرا گرفت و سبعیت و درنده خویی حکومت وحشت امویان همه کس فهم شد این جوشش تا ان سوی مرز زمان همچنان ادامه دارد و اینهمه پیروزی در شهادت و غلبه خون بر شمشیر را شیعه مرهون تلاشها و مجاهدتهای این شیر زن بزرگ است.

میلاد مهین بانوی بزرگ اسلام و روز پرستار بر همگان مبارک باد.

مقتدای پرستاران

تو را می بینم، ای عصاره عفت، ای مادر شجاعت، هموزن اراده خدا در زن بودن! ای زینب که بر بلندای عظمت خویش نظاره گر صحنه های تاریخی، تو را می بینم، و گریه امانم را می برد! گویا پیوند تو با گریه، اسطوره ای پآیدار است. زینب ای روح خروشان تاریخ زن، ای پیامبر خون و شهادت! ای کوبنده ابناء مرجانه. سوزش دلت را چنان دیدم که امکان بیانش را نخواهم یافت، گوئی تو و غم با هم زاده شده اید و گویی تو خدای اندوهی!

در تولدت نیز باز این اشک است که می خندد! دست تو در دست مصائب بزرگ تاریخ، تجلی گاه اراده خدا شد. در

سالروز تولدت، چه غمگنانه می خندم! چرا تنها در حضور تو، خنده مایوسانه خود را او می نهد، ای زینب ؟!
ای کوه درد، وای قله رفیع شجاعت و ای فریاد حق خواهی زن در تاریخ.
اگر نبود زهره مردانه ات، اگر نبود صبر جانانه ات، اگر نبود مقاومت دلیرانه ات و... چگونه، ندای حق خواهی کربلا، ابدی می شد؟ بت های ابن مرجانه را یکی پس از دیگری چه مردانه در صحنه کربلا در هم شکستی، یزید را چه مردانه در سوک نامردی اش نشاندی. اگر چه در راه اسارت، گرده ات مهبط تازیانه ستم بود، لکن در مقر خیانت، صلابت کلامت، آتش در خارستان ستم یزیدیان زد.
و بوی خون حسین از عطر کلام تو جاری شد. حسین اگر رفت تو را داشت که می ماندی و عاشقانه می خواندی که :

من، اسیر نیستم کز همرهان وامانده ام	کوه صبرم کز هبوط عشق برجا مانده ام

تو پرستار مظلومان تاریخی، تو دست محبت خدا بر سر یتیمان و درماندگانی، غنچه نگاهت چه معصومانه در دیار غربت شکوفانه شد. چه عاشقانه حسین را انچنانن که باید به ایندگان شناساندی.
چه جانانه پرده های ستمگری، طغیان، ریا... از هم دریدی! زبانت شمشیر حسین بود در کام.
در سایه اراده تو زن، بت شکنی اموخت. بت ها شکستنی است هر چند بزرگ، اگر پیرو زینب باشند!
از مهربانی ات چه بگویم که مادر مهربانی هستی، تجسم محبتی برا بیماران و کودکان و سایه رحمت خدا برای درماندگان. روز تو روز محبت است. روز مهربانی است و روز پاشیدن عطر عاطفه بر چهره نیازمندان!
روز پرستار است!
تو مقتدای پرستارانی، پرچمدار رسیدگی به مظلومان و محرومان و دردمندانی تو مادر یتیمانی و پرستار در کنار تو جویای محبت خدا در دل بیماران خویش است.
زمزمه بیماران در نیمه شب، یاد اور ناله کودکان برادرانت، برای اوست!
و او بیاد نماز شب تو سحر خیز است. او بر درد بیمارش، بیاد مصائب تو مرهم می نهد، او ناله درمانده ای را، یاد اور گریه یتیمان تو می داند.
تو مقتدای پرستاری، و پرستار در صف پرستاری ایستاده است، که او را دریایی!
او تو بار می خواند و تو او را خوب می شناسی که، دیدار او یاد اور مهربانی های توست. یاداور وفای توست، به حسین، به شهیدان، به بیماران و درماندگان، و به کسانی که در شهر درد و بیماری جز خدا، یاوری نداند.
روز تولد حضرت زینب (علیه السلام) روز پرستار، بر همگان مبارکبادا!

همسنگر امام حسین (علیه السلام)

آنشب که گل از دامن مهتاب می ریخت	شبنم به پای نخل باور آب می ریخت
آنشب که غم آهنگ شادی ساز می کرد	قفل اسارت را به گرمی باز می کرد
آنشب که ساقی بوسه بر پیمانه می زد	گیسوی شب را بهر مستان شانه می زد

آنشب که بهر باغ دل غم لاله می کاشت	درنیستان نینوانی ناله می کاشت
آنشب شفق دیوان فتح نور می خواند	بهر فلق شعر شب عاشورا می خواند
شهر مدینه طالب دیدار حق بود	چشم انتظار مطلع الفجر فلق بود
فطرس فراز آسمان ها بال می زد	فریاد آزادی و استقلال می زد
کای اهل عالم در دیار شور و شادی	زد خیمه روز پنجم ماه جمادی
دیوان خلقت را خدا زیب و فری داد	ساقی کوثر را ز کوثر کوثری داد
شیر خدا را داد خالق ماده شیری	قامت قیامت دختر روشن ضمیری
جبریل بر ختم رسل پیغام می داد	پیغام از پیروزی اسلام می داد
می گفت یا احمد شکوه باور آمد	بهر حسینت سینه چاک سنگر آمد
بر خلق عالم نعمتی عظمی ست دختر	سوم گل و گلواژه زهراست دختر
دختر مگو چون همتی مردانه دارد	از آیه «قالوا بلا» پیمانه دارد
دختر مگو که دختران را رهبر آمد	بی پرده گویم صبر را پیغمبر آمد
بر روی ما تا مهر رخشان در گشاید	رد بردباری مثل او مادر نزآید
از صبر او دین خدا پاینده گردد	هر مرده ای از انفاس گرمش زنده گردد
ثابت قدم مانند او گیتی ندیده	زیرا خدا او را حسینی افریده
در روز عاشورا که روز آزمون است	او فارغ التحصیل آن دارلفنون است
قنداقه اش را تا که پیغمبر گرفتی	صد بوسه از رخساره او برگرفتی
در دست پیغمبر ز دیده اشک می ریخت	کز اشک آواز چهره او رشک می ریخت
در دست باب تاجدارش گریه می کرد	گویی که از هجرنگارش گریه می کرد
با گریه اش صلح حسن را زنده کرد او	چون غنچه بر روی حسینش خنده کرد او
یعنی تو راجان برادر خواهر آمد	خواهر نه تنها یاور و همسنگر آمد

سرود در میلاد حضرت زینب (علیه السلام)

مژده مژده که سفیر راه عشق آمد	در مدینه به جهان ماه دمشق آمد
دخت خیر النساء زینب مرتضی، زینب آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا زینب آمد
خانه فاطمه روشن شده از نورش	لب مولا زعنایت گشته مسرورش
گوید او زیر لب، آمده زین آب، زینب آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا، زینب آمد
گشته قنداقه او بر دامن احمد	گوید این بهر حسین است رحمت سرمد
زینتش نام نهید، احترامش کنید، عاشق آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا، زینب آمد
عاشق روی حسین است قلب این دختر	بهر دیدار برادر میزند پرپر
از برای حسین، میکند شور و شین، عاشق آمد	زینبا، زینبا، زینبا، زینبا، زینب آمد

مطالب بالا برگرفته از کتاب عاشورا تا غدیر تألیف محمد عسکری

زیارتنامه حضرت زینب(علیها السلام)

اذن دخول به حرم مطهر حضرت زینب(علیها السلام)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

بِاِذْنِ اللّهِ وَاِذْنِ رَسُولِهِ وَاِذْنِ مَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ وَاَنْبِیائِهِ الْمُرسَلینَ، وَالأَئِمَّةِ الْمَعْصُومینَ، وَبِاِذْنِ السَیِّدَةِ زَیْنَبَ الْکُبْری بِنْتِ الاِمامِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلَیْهِ السَّلامُ، اَدْخُلُ هذِهِ الرَّوْضَةَ الْمُبارَکَةَ، وَاَدْعُوا اللّهَ بِفُنُونِ الدَّعَواتِ، وَاَعْتَرِفُ للهِ بِالْعُبُودِیَّةِ، وَلِلنَّبِیِّ وَالأَئِمَّةِ الْمَعْصُومینَ عَلَیْهِمُ اَلسَّلامُ بِالطّاعَةِ، رَبِّ اَدْخِلْنی مُدْخَلَ صِدْق، وَاَخْرِجْنی مُخْرَجَ صِدْق، وَاجْعَلْ لی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً.

زیارت اوّل حضرت زینب کبری(علیها السلام)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

اَلسَّلامُ عَلی آدَمَ صِفْوَةِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی نُوح نَبِیِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی اِبْراهیمَ خَلیلِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی مُوسی کَلیمِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلی عیسی رُوحِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَ خَلْقِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّهِ خاتَمَ النَّبِیّینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ اَبیطالِب وَصِیَّ رَسُولِ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَةُ سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا سِبْطَیْ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ، وَسَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَ الْعابِدینَ وَقُرَّةَ عَیْنِ النّاظِرینَ،

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ باقِرَ العِلْمِ بَعْدَ النَّبِیِّ، اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّد الصّادِقَ الْبارَّ الأَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَر الطّاهِرَ الطُّهْرِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضَا الْمُرْتَضی، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیّ التَّقِیَّ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّد النَّقِیَّ النّاصِحَ الأَمینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیّ، اَلسَّلامُ عَلَی الْوَصِیِّ مِنْ بَعْدِهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی نُورِکَ وَسِراجِکَ وَوَلِیِّ وَلِیِّکَ، وَوَصِیِّ وَصیِّکَ، وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِاللهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ فاطِمَةَ وَخَدیجَةَ،

اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُخْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ وَلِیِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُخْتَ وَلِیِّ اللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا عَمَّةَ وَلِیِّ اللّهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ عَرَّفَ اللّهُ بَیْنَنا وَبَیْنَکُمْ فِی الْجَنَّةِ، وَحَشَرَنا فی زُمْرَتِکُمْ، وَاَوْرَدَنا حَوْضَ نَبیِّکُمْ، وَسَقانا بِکَأْسِ جَدِّکُمْ مِنْ یَدِ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِب، صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْکُمْ، اَسْئَلُ اللّهَ اَنْ یُرِیَنا فیکُمُ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ، وَاَنْ یَجْمَعَنا وَاِیّاکُمْ فی زُمْرَةِ جَدِّکُمْ مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَاَنْ لا یَسْلُبَنا مَعْرِفَتَکُمْ، اِنَّهُ وَلِیٌّ قَدیرٌ، اَتَقَرَّبُ اِلَی اللّهِ بِحُبِّکُمْ، وَالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکُمْ،

وَالتَّسْلیمِ اِلَی اللّهِ راضِیاً بِهِ غَیْرَ مُنْکِر وَلا مُسْتَکْبِر، وَعَلی یَقینِ ما اَتی بِهِ مُحَمَّدٌ، وَبِهِ راض نَطْلُبُ بِذلِکَ وَجْهَکَ یا سَیِّدی، اَللّهُمَّ وَرِضاکَ وَالدّارَ الآخِرَةَ، یا سَیِّدَتی یا زَیْنَبُ، اِشْفَعی لی فِی الْجَنَّةِ، فَاِنَّ لَکِ عِنْدَ اللّهِ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ اَنْ تَخْتِمَ لی بِالسَّعادَةِ، فَلا تَسْلُبْ مِنّی ما اَنَا فیهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، اَللّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنا وَتَقَبَّلْهُ بِکَرَمِکَ وَعِزَّتِکَ، وَبِرَحْمَتِکَ وَعافِیَتِکَ، وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّد وَآلِهِ اَجْمَعینَ، وَسَلَّمَ تَسْلیماً یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

«الزیارة المفجعة»

زیارت دوّم حضرت زینب کبری(علیها السلام)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

الْمَظْلُومِ الْعُرْیانِ، الْمَطْرُوحِ عَلَی الثَّری، وَقالَتْ بِصَوْت حَزین: بِاَبی مَنْ نَفْسی لَهُ الْفِداءُ، بِاَبِی الْمَهْمُومُ حَتّی قَضی بِاَبِی الْعَطْشانُ حَتّی مَضی، بِاَبی مَنْ شَیْبَتُهُ تَقْطُرُبِالدِّماءِ، اَلسَّلامُ عَلی مَنْ بَکَتْ عَلی جَسَدِ اَخیها بَیْنَ الْقَتْلی، حَتّی بَکی لِبُکائِها کُلُّ عَدُوّ وَصَدیق، وَرَأَی النّاسُ دُمُوعَ الْخَیْلِ تَنْحَدِرُ عَلی حَوافِرِها عَلَی التَّحْقیقِ، اَلسَّلامُ عَلی مَنْ تَکَفَّلَتْ وَاجْتَمَعَتْ فی عَصْرِ عاشُوراءَ بِبَناتِ رَسُولِ اللّهِ وَاَطْفالِ الْحُسَیْنِ، وَقامَتْ لَهَا الْقِیامَةُ فی شَهادَةِ الطِّفْلَیْنِ الْغَریبَیْنِ الْمَظْلُومَیْنِ،

اَلسَّلامُ عَلی مَنْ لَمْ تَنَمْ عَیْنُها لِاَجْلِ حِراسَةِ آلِ رَسُولِ اللّهِ فی طَفِّ نَیْنَواءَ، وَصارَتْ اَسیراً بِیَدِ الْأَعْداءِ، اَلسَّلامُ عَلی مَنْ رَکِبَتْ بَعیراً بِغَیْرِ وَطاءِ، وَنادَتْ اَخیها اَبَا الْفَضْلِ بِهذَا النِّداءِ: اَخی اَبَا الْفَضْلِ! اَنْتَ الَّذی اَرْکَبْتَنی اِذا اَرَدْتُ الْخُرُوجَ مِنَ الْمَدینَةِ، اَلسَّلامُ عَلی مَنْ خَطَبَتْ فی مَیْدانِ الْکُوفَةِ بِخُطْبَة نافِعَة حَتّی سَکَنَتِ الْأَصْواتُ مِنْ کُلِّ ناحِیَة، اَلسَّلامُ عَلی مَنِ احْتَجَّتْ فی مَجْلِسِ ابْنِ زِیاد بِاحْتِجاجات واضِحَة، وَقالَتْ فی جَوابِه بِبَیِّنات صادِقَة، اِذْ قالَ ابْنُ زِیاد لِزَیْنَبَ سَلامُ اللّهِ عَلَیْها کَیْفَ رَاَیْتِ صُنْعَ اللّهِ بِاَخیکِ الْحُسَیْنِ؟

قالَتْ: ما رَاَیْتُ اِلاّ جَمیلا، اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اَسیرَةً بِاَیْدِی الْأَعْداءِ فِی الْفَلَواتِ، وَرَأَیْتِ اَهْلَ الشّامِ فی حالَةِ الْعَیْشِ وَالسُّرُورِ وَنَشْرِ الرّایاتِ، وَقالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ لِیَزیدَ: یا یَزیدُ ما ظَنُّکَ بِرَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِه لَوْ رَآنا عَلی هذِهِ الْحالَةِ؟ ثُمَّ قالَتْ اُمُّ الْمَصائِبِ زَیْنَبُ لِیَزیدَ: تَقوُلُ غَیْرَ مُتَأَثِّم وَلا مُسْتَعْظِم: «لاَهَلُّوا وَاسْتَهَلُّوا فَرَحاً، ثُمَّ قالُوا: یا یَزیدُ لا تَشَلْ» مُنْتَحِیاً عَلی ثَنایا اَبی عَبْدِ اللّهِ سَیِّدِ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ تَنْکِتُها بِمَخْضَرَتِکَ، ثُمَّ قالَتْ: وَلَئِنْ جَرَتْ عَلَی الدَّواهی مُخاطِبَتُکَ، وَاِنّی لاَسْتَصْغِرُ قَدْرَکَ،

وَاَسْتَعْظِمُ تَقْریعَکَ وَاَسْتَکْثِرُ تَوْبیخَکَ، لکِنَّ الْعُیُونَ عَبْری وَالصُّدُورَ حَرّی اَلا فَالْعَجَبُ کُلُّ الْعَجَبِ مِنْ اِقْدامِکَ عَلی قَتْلِ حِزْبِ اللّهِ النُّجَباءِ بِحِزْبِ الشَّیْطانِ الطُّلَقاءِ، وَلَئِنِ اتَّخَذْتَنا مَغْنَماً لَتَجِدُنا وَشیکاً مَغْرَماً، حینَ لا تَجِدُ اِلاّ ما قَدَّمَتْ یَداکَ، وَما رَبُّکَ بِظَلاّم لِلْعَبیدِ، فَاِلَی اللّهِ الْمُشْتَکی وَعَلَیْهِ الْمُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ، فَکِدْ کَیْدَکَ، وَاسْعَ سَعْیَکَ، وَناصِبْ جَهْدَکَ، فَوَاللّهِ لا تَمْحُو ذِکْرَنا، وَلا تُمیتُ وَحْیَنا، وَلا تُدْرِکُ اَمَدَنا، وَلا تُرَخِّصُ عَنْکَ عارَها، وَهَلْ رَاْیُکَ اِلاّ فَنَداً، وَاَیّامُکَ اِلاّ عَدَداً، وَجَمْعُکَ اِلاّ بَدَداً، یا یَزیدُ! اَما سَمِعْتَ قَوْلَ اللّهِ تَعالی: «وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللّهِ اَمْواتاً بَلْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» وَحَسْبُکَ بِاللّهِ حاکِماً، وَبِمُحَمَّد صَلَّااللّهُعَلَیْهِ وَآلِه خَصْماً، وَبِجِبْریلَ عَدُوّاً، ثُمَّ قالَتْ: اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذی خَتَمَ لِاَوَّلِنا بِالسَّعادَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَلِاخِرِنا بِالشَّهادَةِ وَالرَّحْمَةِ، اِنَّهُ رَحیمٌوَدُودٌ،وَهُوَ حَسْبُنا وَنِعْمَ الْوَکیلُ، وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّد وَآلِه وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ الأَئِمَّةِ الْمَعْصُومینَ آمینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.

دعای بعد از زیارت

مرحوم علاّمه سید محسن امین(قدس سره) در مفتاح الجنات مفرماید: بعد از زیارت هر یک از انبیاء وائمه(علیهم السلام) واولاد آنان مناسب است این دعا خوانده شود:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، اَللّهُمَّ اِنّا نَسأَلُکَ وَنَدْعُوْکَ وَنُقْسِمُ عَلَیْکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الأَعْظَمِ الأَعَزِّ الأَجَلِّ الأَکْرَمِ، وَبِحَقِّ نَبِیِّکَ مُحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ عَلَیهِمُ السَّلامُ، اَنْ لا تَدَعَ لَنا فیهذَا الْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَقامِ الْمُکَرَّمِ ذَنْباً اِلاّ غَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً اِلاّ فَرَّجْتَهُ وَلا سُوْءاً اِلاّ دَفَعْتَهُ، وَلا دَیْناً اِلاّ قَضَیْتَهُ وَلا مَریضاً اِلاّ شَفَیْتَهُ وَعافَیْتَهُ، وَلا غائِباً اِلاّ حَفِظْتَهُ وَاَدْنَیْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنیا وَالاْخِرَةِ لَکَ فیها رِضیً ولَنا فیها

صَلاحٌ اِلاّ قَضَيْتَها وَيَسَّرْتَها، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَلِابائِنا وَأُمَّهاتِنا، وَاِخْوانِ دينِنا، وَاَقْرِبائِنا وَجيرانِنا، وَمَنْ عَلَّمَنا، وَمَنْ لَهُ فَضْلٌ عَلَيْنا، وَمَنِ اتَّخَذَ عِنْدَنا يَداً مِنْ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ، ذُنُوبَنَا كُلَّها، صَغيرَها وَكَبيرَها، ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَاَخَّرَ، وَاعْصِمْنا فيما بَقِيَ مِنْ اَعْمارِنا، وَارْحَمْنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنَا، اَللّهُمَّ اَحْيِنا مَحْيا مُحَمَّد وَآلِ مُحَمَّد، وَاَمِتْنا مَماتَهُمْ، وَاحْشُرْنا مَعَهُمْ وَفى زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ، وَلا تُفَرِّقْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْن فِى الدُّنْيا وَالاْخِرَةِ، اَللّهُمَّ اِنّا نَسْأَلُکَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوانَکَ وَالْجَنَّةَ، وَنَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِکَ وَالنَّارِ يا كَريمُ، وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّد وَآلِهِ الطّاهِرِيْنَ وَسَلَّمَ تَسْليماً.